

تأثیر مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی بر سازگاری اجتماعی پسران بزهکار

وهاب علی‌نیا*، مصطفی اقلیما**، معصومه معارف‌وند***، سیدمحمدحسین جوادی****

مقدمه: این پژوهش به منظور بررسی تأثیر مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد شناختی - رفتاری بر سازگاری اجتماعی پسران بزهکار، انجام گرفت. روش: از بین کل کودکان ۱۲ تا ۱۸ سال حاضر در کانون اصلاح و تربیت تهران ۴۰ نفر را به شیوه تصادفی به عنوان شرکت‌کننده در پژوهش انتخاب و به صورت گمارش تصادفی در چهار گروه آزمایش و کنترل ده نفره قرار داد. پیش از مداخله تمام شرکت‌کنندگان با خردمه مقیاس سازگاری اجتماعی بل مورد ارزیابی قرار گرفتند. دو گروه آزمایشی در ۹ جلسه کارگروهی شرکت نمودند و گروه‌های کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. پس از مداخله تمام شرکت‌کنندگان مورد ارزیابی مجدد قرار گرفتند و در پایان داده‌های موجود با آزمون آماری t تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن بود مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی در هر دو گروه سنی بر افزایش سازگاری اجتماعی پسران بزهکار مؤثر بوده است. برای گروه ۱۲ تا ۱۴ سال تمام سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۲۴ و سطح معنی‌داری برای گروه ۱۵ تا ۱۸ سال ۰/۰۲۵ گزارش شده است. البته یک نفر از گروه آزمایش ۱۵ تا ۱۸ سال به دلیل انتقال به زندان بزرگسال، همکاری خود را تا پایان پژوهش ادامه نداد.

واژه‌های کلیدی: مددکاری اجتماعی گروهی، رویکرد شناختی - رفتاری، سازگاری اجتماعی، بزهکاری.

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۲/۳۱

* کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی. <vahabalinia@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

*** دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

**** دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

مقدمه

انسان در بسیاری از شئون زندگی اجتماعی خود با سایر افراد جامعه در رابطه و فعل و انفعال مداوم قرار دارد. ادامه حیات انسان در گرو تن دادن به زندگی اجتماعی و محدودیت‌های آن است تا جایی که حتی برای ارضای نیازهای زیستی، خود را با وضعی اجتماعی و شرایطی که ساخته‌شده است روبرو می‌بیند. محیط اجتماعی خواه، یک گروه کوچک باشد خواه یک جامعه بزرگ، واحدی یک دست و ثابت نیست. همواره عده‌ای ناسازگار وجود دارند تا هنجارها و قوانین را زیر پا گذارند. در فرهنگ همه جوامع انسانی، برخی رفتارها زشت و نکوهیده قلمداد می‌شود. اصطلاح بزهکار به افرادی از یک جامعه اطلاق می‌شود که اعمالی خلاف هنجارها، قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام داده‌اند. در کشور ما بزهکاری به کل جرایمی گفته می‌شود که در صورت ارتکاب، به موجب قصاص، دیات، حدود و تعزیرات دارای مجازات هستند (پیکا، ۱۳۷۰). اما رفتارهای ناسازگار نوجوانان طیف وسیعی از رفتارها را در بر گرفته که پرخاشگری، نندالیسم، فرار از مدرسه، زورگیری و انواع مختلف بزهکاری را شامل می‌شود.

منظور از قابلیت سازگاری در مددکاری اجتماعی، توانایی به‌کارگیری فرآیندهای عقلانی یا رفتارهایی است که سبب اجتناب از درد و رنج و یا از بین رفتن آن می‌گردد (مافت و اشفورد، ۱۳۷۵). بزهکاران حاضر در کانون اصلاح و تربیت نیز تجربه‌هایی چون طرد، محرومیت از استقلال فردی، محدودیت و محصور ماندن در فضای فیزیکی خاص، نداشتن آرامش ذهنی و روابط صمیمانه، احساس تبعیض و ناامیدی را گزارش کرده‌اند. تمام این موارد می‌تواند در بروز اضطراب و ناسازگاری بیش‌تر در این نوجوانان مؤثر باشد. درحالی‌که فلسفه و هدف اعمال مجازات زندان برای بزهکاران، تنبیه و انتقام نیست، بلکه تأمین امنیت و سلامت اجتماع، همچنین اصلاح و تربیت فرد، آموزش مهارت‌های زندگی برای دستیابی به سبک زندگی سالم، بازسازی شخصیت افراد تا به عنوان انسانی سالم که قدر خویشتن و جامعه را می‌شناسد به کانون خانواده و اجتماع بازگردد (زندانها، ۱۳۸۴).

به موجب همین مصوبه وظیفه آماده‌سازی زندانیان برای بازگشت به محیط اجتماعی بر عهده مددکاران اجتماعی گذاشته شده است. هدف بنیادین مددکاری اجتماعی نیز افزایش توانایی و قابلیت افراد در سازگاری با وظایف و مشکلاتی است که با آن روبرو هستند (مافت و اشفورد، ۱۳۷۵). اما دستیابی به این هدف‌ها به خودی خود و بدون بسترسازی مناسب امکان‌پذیر نیست.

مددکاری اجتماعی نیز طبق تعریف مری ریچموند، بنیانگذار این حرفه، شامل فرآیندهایی است که شخصیت را از طریق سازگاری‌های آگاهانه فردی، یا آنچه بین انسان و محیط اجتماعی حادث می‌شود، شکل می‌دهد و سازگاری اجتماعی فرآیندی است که افراد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی کنند، رفتار خود را کنترل و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم کنند. به طور سنتی مددکاران اجتماعی معتقدند آگاهی در تنهایی شکل نمی‌گیرد و حمایت گروه سبب از بین رفتن تنش‌ها و اضطراب‌هایی می‌گردد که مانع ایجاد آگاهی و اقدام آزادانه است (مافت و اشفورد، ۱۳۷۵). بنابراین به شکل‌های مختلف از پویایی‌های گروه برای قادرسازی مددجویان خود بهره برده‌اند.

حال این سؤال در ذهن محقق شکل گرفته است که در صورت استفاده از مدل‌های مددکاری گروهی می‌توان بر میزان سازگاری اجتماعی نوجوانان حاضر در کانون اصلاح و تربیت افزود؟ به همین منظور مداخلات مددکاری اجتماعی با رویکرد شناختی - رفتاری که به نسبت دیگر رویکردها بیش‌ترین مبانی تجربی را دارد انتخاب گردید تا این پژوهش، در سطح پیشگیری ثانویه، اثربخشی یک الگوی کار گروهی مددکاری اجتماعی را با رویکرد شناختی - رفتاری بر میزان سازگاری اجتماعی نوجوانان بزهکار مورد بررسی قرار دهد. بنابراین فرضیه این پژوهش عبارت است از:

مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد شناختی - رفتاری بر افزایش سازگاری اجتماعی پسران بزهکار تأثیر دارد.

پایه‌های نظری

۱- نظریه احساس فشار

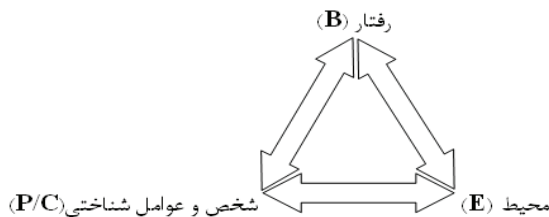
یکی از نظریات مطرح در زمینه بی‌هنجاری و انحرافات، نظریه رابرت مرتن جامعه‌شناس آمریکایی است. از نظر او باید میان سه مؤلفه در زندگی اجتماعی تمایز قائل شد. این سه مؤلفه عبارتند از: ۱- اهداف فرهنگی، که یکی از اجزای ساخت فرهنگی است. ۲- قواعد رفتار اجتماعی، که دومین جزء از ساخت فرهنگی جامعه به شمار می‌رود. ۳- توزیع واقعی وسایل یا همان ابزارهای نهادی شده که از اجزاء ساخت اجتماعی و شرایط عینی و واقعی جامعه به شمار می‌روند. در واقع بزهکاری حاصل یک مؤلفه منفرد نیست، بلکه از ایجاد گسست در روابط بین مؤلفه‌های فوق ناشی می‌شود. مرتن معتقد است در کوشش برای نیل به اهداف مادی، بعضی از افراد ابزارهای قانونی را تنظیم می‌کنند. کجروی از دیدگاه مرتن حاصل گسیختگی بنیادی بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت دستیابی به آن‌ها و یا توزیع نامساوی فرصت‌ها برای استفاده از این ابزارها و وسایل است. درست در نقطه‌ای که وحدت و همسازی بین این دو از میان می‌رود، احساس فشار جامعه برای ارتکاب جرم، موجب بروز و ظهور صور مختلف سازگاری فردی می‌شود. این پنج روش سازگاری عبارتند از: همنوایی، نوآوری، مناسک‌گرایی، عقب‌نشینی و طغیان (توسلی، ۱۳۸۴؛ شیخاوندی، ۱۳۸۶).

در اینجا ذکر این مطلب ضروری است که در تحلیل مرتن تأکید بر مشخصات فرد کج رفتار نیست بلکه تأکید اساسی بر روی موقعیت‌های صرف اجتماعی است که فرد در آن قرار می‌گیرد. از این رو تحلیل مرتن را می‌توان از نوع تحلیل‌های افراطی جامعه‌شناسانه دانست (آقابخشی، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد برای پایه‌ریزی یک الگوی عملی برای افزایش سازگاری اجتماعی بزهکاران نیاز به نظریاتی در سطح خرد و میانه باشد. چنین کوششی در نظریات یادگیری شناختی - اجتماعی که بزهکاری را در سطح عوامل فردی تبیین می‌کند، متبلور شده است.

۲- نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی

این نظریه عوامل شناختی مانند حل مسئله، باورها، انتظارات و خودپنداره را به یادگیری اجتماعی اضافه می‌کند. در واقع این دیدگاه فرم جدید نظریه یادگیری اجتماعی است که دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی را به هم نزدیک کرده و در مورد این‌که شرایط محیطی و نیز شناخت اجتماعی چگونه در رفتار اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد فرضیه‌هایی ارائه می‌دهد.

در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا که در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد، سه عامل اصلی در یک الگوی جبرگرایی متقابل مطرح می‌شوند. این سه عامل عبارتند از: رفتار، شخص/شناخت و محیط. این عوامل باهم روی یادگیری اثر می‌گذارند. یعنی نه تنها فرآیندهای درونی شناختی بر رفتار تأثیر می‌گذارد، بلکه مشاهده رفتار دیگران، همچنین محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد، چنین تأثیری دارد (اتکینسون و هیلگارد، ۲۰۰۰). شکل ۱ به خوبی این عوامل را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمایشی از سه عامل اصلی در دیدگاه بندورا

به اعتقاد بندورا ما از طریق تشویق‌ها و تنبیه‌های مستقیم و غیرمستقیم، خاطرات، تقلید، خواندن، شنیدن، مشاهده و الگوبرداری از دیگران یاد می‌گیریم، اما رفتارها تنها به وسیله پاداش‌ها و تنبیه‌های بیرونی تعیین و کنترل نمی‌شود بلکه بیش‌تر رفتارهای آدمی حاصل فرآیند درونی خودگردانی^۱ است. زمانی که در مقابل مسئله جدیدی قرار می‌گیریم نتایج آن

1. self-regulation

را در نظر گرفته و احتمال موفقیت هریک را می‌سنجیم. سپس هدف‌های خود را تعیین نموده و روش‌هایی جهت رسیدن به آن‌ها اتخاذ می‌کنیم.

ادوین ساترلند نیز در نظریه انتقال فرهنگی خود درباره چگونگی انتقال فرهنگی کج رفتاری اظهار می‌دارد که کج رفتاری از طریق جریانی از ارتباطات اجتماعی حاصل می‌شود. فرضیه اصلی ساترلند این است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. به نظر وی نگرانی‌ها و نیازهای ارضاء نشده در افراد عادی و بزهکار شبیه به هم است و تنها، روش‌های یاد گرفته شده واکنش به این نگرانی‌ها و محرک‌ها در آنان متفاوت است. ساترلند در نظریه خود رفتارهای بزهکارانه را ناشی از خطای خانواده‌ها دانسته که قادر به یاد دادن ارزش‌ها و هنجارها نبوده‌اند و خانواده به عنوان محیط یادگیری اولیه نوجوانان در بزهکاری مؤثر است (مظفر و همکاران، ۱۳۸۸) و بخش اصلی یادگیری رفتار انحرافی در اثر ارتباط صمیمی درون گروه انجام می‌گیرد. در جریان این یادگیری، توجیهات، انگیزه‌ها و گرایش‌ها آموخته می‌شود و الگوی رفتار انحرافی برای فرد مهم‌تر و ارزشمندتر از الگوی قانونی موجود تلقی می‌گردد (آقابخشی، ۱۳۸۸). به نظر او رفتار انحرافی نه روان‌شناختی است نه ارثی و در صورتی که افراد طی جریان جامعه‌پذیری، تخطی از هنجارها را بیاموزند، به سوی کج رفتاری کشانده می‌شوند. مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با هنجارشکنان دارند، کج رفتار می‌شوند و عوامل زیر بر این تأثیرپذیری مؤثر است:

- افراد از طریق دوستان نزدیک، اقوام و کسانی که با آن‌ها در ارتباط هستند کج رفتار می‌شوند.
- تأثیرپذیری از دیگران در ایام کودکی و جوانی بسیار قوی است. (عامل سن)
- نسبت تماس با کج رفتاران در مقایسه با افراد سازگار در کج رفتاری نقش تعیین کننده دارد.
- هیچ‌کس با آگاهی و اطلاع از بزهکاری، متولد نمی‌شود؛ بلکه از یک شخص و یا یک گروه به دیگران منتقل می‌شود (آقابخشی، ۱۳۸۸).

۳- یکپارچگی مدل شناختی - رفتاری در مددکاری گروهی

در بررسی موضوع یکپارچگی و تأکید بر شناختی یا رفتاری بودن این مدل، سؤال اساسی این است که رویکرد شناختی - رفتاری در مددکاری گروهی واقعاً چیست؟ اگر مددکاری گروهی را یکی از روش‌های اصلی مددکاری اجتماعی بدانیم که هدف آن توانا کردن فرد و پیشرفت دادن نحوه انجام وظیفه و فونکسیون اجتماعی فرد از طریق تجربه‌های آگاهانه و هدفمند گروهی است (قندی، ۱۳۴۷)؛ کار گروهی شناختی - رفتاری به مجموعه‌ای از رویکردهای مختلف در کار با گروه‌های کوچک اشاره دارد که ترکیبی از مداخلات رفتاری، شناختی و راهبردهای مربوط به گروه‌های کوچک را دربرمی‌گیرد و یک رویکرد تجربی در حرفه مددکاری اجتماعی به شمار می‌رود. در این رویکرد تأکید بر درمان رفتاری مخرب فرد با استفاده از موقعیت گروه می‌باشد. اصل عمده این رویکرد، این است که عواطف، رفتار و ادراک‌ها آموختنی هستند بنابراین یک آموزش جدید می‌تواند آن‌ها را تغییر دهد (مالکوف، ۱۹۹۷). طبق این رویکرد جرم و انحراف نیز مانند سایر رفتارها آموخته می‌شود. بنابراین می‌توان با تغییر نگرش، باورها و شناخت افراد و همچنین تغییر محیط آنان از طریق ارائه تقویت‌کننده‌های درونی و بیرونی، ارائه الگوی مناسب، تقلید و یادگیری، رفتارهای سالم را با رفتارهای ناسازگارانه جایگزین کرد (ابوالمعالی، ۱۳۸۹).

مددکاران اجتماعی با این رویکرد قبل از اجرای هر نوع مداخله‌ای به سودمندی هدف‌های درمانی توجه دارند و آن‌ها را متناسب با ارزش‌های اجتماعی انتخاب می‌کنند. در این رویکرد مددجویان موضوع مداخله نیستند؛ بلکه در انتخاب هدف‌های درمان بیش‌ترین مشارکت را نشان می‌دهند و آگاهانه با روش‌های مداخله موافقت می‌کنند (گاروین، گوتیرز و همکاران، ۲۰۰۴). یک مرحله مهم در فرآیند درمان گروهی ارزیابی مشکل فعلی و منابعی است که در دسترس مددجو قرار دارد. در این مرحله به محیطی که این رفتارها و هیجانات شکل گرفته‌اند نیز توجه می‌شود. تاریخچه فرهنگی و جنسیت

مددجویان نیز در انتخاب هدف‌ها لحاظ می‌شود. معتقد به اصل رازداری در گروه بوده و همکاری یا کمک‌های متقابل در گروه تشویق می‌شود. نخستین تلاش و هدف مددکار آن است که مددجو را در سازگاری با محیط و اعاده کارآیی او برای انجام وظایف اجتماعی خود هرچه بیش‌تر توانا و قادر سازد (پرلمن، ۱۹۵۷). در گروه‌هایی که با رویکرد شناختی - رفتاری کار می‌کنند مددکار به دنبال حل یک یا دو مشکل عمده مددجو بوده و با کمک تکالیف خارج از گروه، مهارت‌هایی را آموزش می‌دهد که در دنیای واقعی منجر به حل مشکل مددجو گردد (گاروین، گوتیرز و همکاران، ۲۰۰۴).

در این گروه‌ها فرآیند حل مسئله و چگونگی مقابله با مشکلات و موقعیت‌های دشوار زندگی انسان‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مددجو نسبت به رفتارهای مناسب و نامناسب خود از گروه بازخورد می‌گیرد. این بازخوردهای گروهی کوچک‌ترین موفقیت‌های فرد را تقویت می‌کند در نتیجه، خودارزیابی افراد در شرایط گروهی ارتقاء می‌یابد. اعضای گروه، عملاً می‌آموزند که هرکس دارای حقی است و برای یکدیگر احترام قائل می‌شوند.

پیشینه پژوهش

محققان زیادی با استفاده از گروه کنترل برآیند کار گروهی شناختی - رفتاری را در حل مشکلات کودکان و بزرگسالان مطالعه کرده‌اند و شمار زیادی از آن‌ها کار گروهی شناختی - رفتاری را در درمان رفتارهای ضد اجتماعی اثربخش ارزیابی کرده‌اند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که پژوهشگران چگونه توانسته‌اند با به کارگیری پویایی‌های موجود در گروه و رویکرد شناختی - رفتاری، به افراد کمک کنند تا سازگاری اجتماعی بیش‌تری داشته و یا احتمال رخداد جرایم در آن‌ها کاهش یابد؟

تعداد زیادی از پژوهش‌ها اهمیت مهارت‌های حل مسئله اجتماعی را به عنوان یک میانجی یا واسطه در سازگاری رفتاری و اجتماعی آزموده‌اند. از دیدگاه بهداشت روانی، حل مسئله به عنوان یک راهبرد کلی مقابله‌ای این امکان را برای افراد فراهم می‌آورد که

خود را از ناسازگاری‌های اجتماعی دور نگه دارند (ابوالمعالی، ۱۳۸۹). به عقیده هیل (۲۰۰۵) کودکانی که رفتارهای ضد اجتماعی بروز می‌دهند مشکلاتی در فهم تعاملات اجتماعی دارند و رفتار پرخاشگرانه آن‌ها ممکن است با نقص‌هایی در فهم مقتضیات موقعیت‌های اجتماعی، حل مسئله، تفسیر اشتباه اعمال دیگران، زورگویی و عزت نفس پایین آنان مرتبط باشد (هیل^۱، ۲۰۰۵).

در زمینه نقش آموزش‌های شناختی - رفتاری در بهبود مهارت‌های شناخت اجتماعی، راس^۲ بر مبنای یک فراتحلیل گسترده، یک برنامه چند وجهی و جامع را تحت عنوان استدلال و توان‌بخشی^۳ در زمینه آموزش مهارت‌های شناخت اجتماعی گسترش داد. او با توجه به بررسی ادبیات پژوهشی درباره ارتباط بین بزهکاری و شناخت به شواهدی استناد کرده است که نشان می‌دهد، بسیاری از بزهکاران تأخیرهای تحولی در اکتساب تعدادی از مهارت‌های اجتماعی که برای سازگاری اجتماعی آن‌ها لازم است، دارند. او این تأخیرها را در چند مؤلفه شامل تکانشی بودن، ضعف در مهارت‌های حل مسئله بین فردی و اجتماعی، منبع کنترل بیرونی، خود میان بینی، باورهای غیرمنطقی و ناسازگارانه و ضعف در تفکر انتقادی خلاصه کرده است و بر همین اساس بسته‌های آموزشی کارآمدی را برای بزهکاران طراحی کرده است. راس برنامه آموزشی خود را در ۳۵ جلسه (۷۰ ساعت) به صورت گروهی برگزار کرد، هدف او تقویت استدلال و بازپروری مجرمین بود. مؤلفه‌های برنامه آموزشی او عبارت بودند از کنترل خود، فراشناخت، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله اجتماعی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، اخذ چشم‌انداز اجتماعی، تقویت و بهبود ارزش‌ها و مدیریت هیجان. نتایج پژوهش وی حاکی از اثربخشی روش‌های آموزشی به کار گرفته شده بر شناخت اجتماعی مجرمین بود (راس و آنتونویز^۴، ۲۰۰۵).

1. Hill 2. Ross 3. reasoning and rehabilitation 4. Antonowicz

یک فعالیت پژوهشی با استفاده از رویکرد شناختی - رفتاری نیز توسط ابوالمعالی در سال ۱۳۸۷ به منظور ارتقاء شناخت اجتماعی بزهکاران اجرا شده است. مطابق نتایج این پژوهش به کارگیری برنامه آموزشی ارتقاء شناخت اجتماعی بزهکاران در حوزه های مهارت های اجتماعی، کنترل خشم، مهارت های ارتباطی، مهارت های حل مسئله اجتماعی و مهارت های خویشتن شناسی منجر شده است (ابوالمعالی، ۱۳۸۷).

کار گروهی شناختی - رفتاری در درمان سوء مصرف مواد و الکل نیز مؤثر بوده است. به عنوان مثال، فیشر^۱ و بنتلی^۲ (۱۹۹۶) تأثیر مدل شناختی - رفتاری و یک رویکرد معمولی درمانی - بازپروری را بررسی و نتایج حاصل از این دو مدل کار گروهی را مقایسه کردند. گروه شناختی - رفتاری مداخلاتی را در بر می گرفت که به منظور افزایش خود توانا پنداری^۳ و واقعیت آزمایی فرد، ارتقاء مهارت های مقابله ای و کاهش احتمال عود مجدد تنظیم شده بود. اما گروهی که با رویکرد درمانی - بازپروری تشکیل شده بود مداخلاتی در زمینه تغییر هویت «معتاد» یا «الکلی» داشت و به اعضای گروه کمک می کرد تا خویشتن داری را به عنوان یکی از هدف های درمانی بپذیرند و از این طریق اعضای گروه را در فعالیت هایی شبیه به گروه های خودیاری یا الکلی های گمنام^۴ شرکت می داد. هر دو گروه ۱۲ جلسه چهار و پنج دقیقه ای را طی چهار هفته تجربه کردند. اعضای گروه کنترل نیز مداخلات تجربی خاصی را تجربه نکردند و هفته ای سه جلسه در یک گروه آزاد شرکت می کردند. تحلیل ها نشان داد گروه درمانی شناختی - رفتاری نسبت به رویکرد درمانی - بازپروری و گروه کنترل در کاهش مصرف الکل، افزایش کارکردهای روان شناختی و روابط خانوادگی و اجتماعی از اثربخشی بیش تری برخوردار می باشد (فیشر و بنتلی، ۱۹۹۶).

در ایران نیز خانم بیتا رحمتی با کمک همکارانش تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سازگاری اجتماعی کودکان را در یک نمونه ۲۰ نفری از دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی سنجیده و نتایج، تأثیر آموزش مهارت های زندگی را در افزایش سازگاری

1. Fisher 2. Bentley 3. self-efficacy 4. Alcoholics Anonymous (AA)

اجتماعی کودکان در سطح معنی داری ($p > 0/01$) نشان داده است (رحمتی، ادیب‌راد و همکاران، ۲۰۱۰).

تأثیر خودآموزی کلامی بر بهبود سازگاری اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال سلوک نیز توسط هاشمی و همکاران بررسی شده که نتایج تحلیل‌های به عمل آمده نشان داد آموزش خودآموزی کلامی طی ۱۰ جلسه برای گروه آزمایش، موجب بهبود سازگاری اجتماعی این کودکان و روابط بین فردی آن‌ها شده است (هاشمی، اقبالی و همکاران، ۱۳۸۸).

حجاری و همکارانش اثر بخشی آموزش گروهی حل مسئله بر میزان سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به اختلال خلقی دو قطبی را بررسی کرد. آن‌ها ۴۵ نفر از زنان مبتلا به اختلال دو قطبی شهر اصفهان را در دو گروه آزمایش و یک گروه گواه قرار دادند. گروه آزمایش ۱ ضمن دارودرمانی آموزش حل مسئله را دریافت کرد. گروه آزمایش ۲ علاوه بر این آموزش‌هایی به خانواده آن‌ها نیز داده شد و به گروه گواه تنها دارودرمانی ارائه شد. هر دو گروه آزمایش مورد آموزش گروهی حل مسئله به شیوه هاوتون قرار گرفتند. داده‌های به دست آمده نشان داد بین میانگین میزان سازگاری اجتماعی سه گروه یعنی گروه آزمایشی ۱ و ۲ و گروه گواه بعد از آموزش گروهی حل مسئله به شیوه هاوتون تفاوت وجود دارد. همچنین در مرحله پیگیری نیز تفاوت بین میانگین سازگاری اجتماعی سه گروه با ($p > 0/05$)، همچنان پابرجا بود (حجاری، امیری و همکاران، ۱۳۸۵).

مظاهری نیز به همراه همکارانش تأثیر آموزش گروهی عزت نفس (هشت جلسه) بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان را بررسی کرده و نتایج حاکی از اثربخشی شیوه‌های مختلف آموزشی عزت نفس با رویکرد گروهی در افزایش معنی‌دار سازگاری اجتماعی بود. همچنین نشان داد که آموزش شناختی - رفتاری مؤثرتر از آموزش رفتاری بوده اما این تأثیر از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است (مظاهری، باغبان و همکاران، ۱۳۸۵).

دکتر یوسفعلی عطاری و همکارانش تأثیر آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی را در سازگاری فردی - اجتماعی نوجوانان بزهکار شهرستان گنبد کاووس با حجم نمونه ۴۰ نفر و

طرح پیش آزمون - پس آزمون بررسی کرده و نتایج حاصل از ۱۰ جلسه یک ساعته آموزش مهارت‌های اجتماعی، گواه آن بود که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث افزایش سازگاری فردی و اجتماعی نوجوانان بزهکار شهرستان گنبد کاووس می‌شود. همچنین از لحاظ ۱۲ خرده مقیاس سازگاری فردی - اجتماعی کالیفرنیا (CTP) میان گروه آزمایش و گواه در سطح $p > 0/0001$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد (عطاری، ییلاق و همکاران، ۱۳۸۴).

رحیمیان و همکارانش نیز در بررسی خود روی ۲۴۰ دانش‌آموز مقطع راهنمایی تأثیر آموزش گروهی سه شیوه جرات‌ورزی شامل رد قاطعانه، بیان قاطعانه و درخواست قاطعانه را در افزایش سازگاری اجتماعی آزمودنی‌ها نشان داده و هر سه شیوه جرات‌ورزی را اثربخش ارزیابی کردند. همچنین آموزش جرات‌ورزی به شیوه رد قاطعانه نسبت به دو روش دیگر اثربخش‌تر بود (رحیمیان، شاره و همکاران، ۱۳۸۶).

تأثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۲ سال نیز توسط دکتر فریبرز درتاج مورد بررسی قرار گرفت. مهارت‌های کنترل خشم طی هشت جلسه آموزش داده شد. یافته‌ها نشان دادند پرخاشگری گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه کاهش و سازگاری اجتماعی آن‌ها افزایش یافته است. این پژوهشگر در این تحقیق نتیجه گرفته است که می‌توان آموزش مهارت‌های کنترل خشم را به عنوان روش مؤثری برای کاهش پرخاشگری و بالا رفتن سازگاری اجتماعی در نظر گرفت (درتاج، ۱۳۸۸).

در اکثر این پژوهش‌ها مفاهیمی چون عزت نفس، منبع کنترل، خودتوان‌پنداری، باورهای غیرمنطقی و مهارت‌های حل مسئله اجتماعی، واقعیت‌آزمایی، کنترل خشم و مدیریت هیجان، مهارت‌های زندگی و مقابله‌ای، جرات‌ورزی، تفکر انتقادی، خودشناسی و شناخت اجتماعی به عنوان یک میانجی در سازگاری اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند؛ سپس با استفاده از رویکردهای مختلف آموزش گروهی به بررسی اثربخشی این گروه‌ها پرداخته‌اند. پژوهش حاضر نیز براساس همین یافته‌ها و با تأکید بر مفاهیم ارتباطات

اجتماعی، حل مسئله نظام‌مند، خودشناسی و روش‌های اصلاح شناختی، سعی در تدوین یک الگوی کار گروهی شناختی - رفتاری جهت افزایش سازگاری اجتماعی کودکان بزهکار دارد.

روش پژوهش

به منظور بررسی فرضیه مطرح شده از طرح آزمایشی پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل و تکرار آزمایش در دو گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال تمام و ۱۵ تا ۱۸ سال تمام استفاده شد و ۴۰ نفر از پسران حاضر در کانون اصلاح و تربیت که براساس ملاک‌های ورود به طرح شامل سن، داشتن حکم قطعی و سواد خواندن و نوشتن، به صورت انتخاب و گمارش تصادفی به دو گروه آزمایش و دو گروه گواه تقسیم شدند.

۱- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه پسران بزهکار ساکن در کانون اصلاح و تربیت تهران در اردیبهشت ماه سال ۹۰ به تعداد ۳۵۶ نفر بوده است که ۴۰ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و براساس ملاک‌های ورود به طرح انتخاب شده و در چهار گروه ۱۰ نفره قرار گرفتند.

۲- ابزار پژوهش

گردآوری داده‌ها با کمک خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی از پرسش‌نامه سازگاری بل انجام شد. پرسش‌نامه سازگاری بل^۱ در سال ۱۹۶۱ توسط پروفیسور بل و در پنج خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی، سازگاری در خانه، تندرستی، عاطفی و شغلی و در مجموع با ۱۶۰ ماده تدوین شده است. خرده‌مقیاس سازگاری اجتماعی بل مشتمل بر ۳۲ عبارت می‌باشد. این پرسش‌نامه که یک ابزار خودگزارش‌دهی است در مورد هر دو جنس زن و

1. Bell Adjustment Questionnaire

مرد کاربرد دارد و امکان مقایسه افراد را در سه سطح سازگاری خوب، متوسط و ضعیف دارد. هیچگونه محدودیت زمانی برای پاسخ‌گویی وجود ندارد. پاسخ‌ها به صورت بلی - خیر بوده و در صورتی که آزمودنی پاسخی نداشته باشد گزینه هیچ‌کدام را در پاسخنامه علامت خواهد زد و نمرات پایین‌تر نشان دهنده سازگاری بیش‌تر فرد می‌باشد.

اعتبار هر یک از پنج قسمت پرسش‌نامه بل و کل نمرات آن به وسیله روش هم‌بستگی موارد زوج و فرد و استفاده از فرمول پیشگویی اسپیرمن - براون تعیین شده و اعتبار خرده مقیاس سازگاری اجتماعی بل ۰/۸۸ و کل مقیاس ۰/۹۴ گزارش شده است. اعتباریابی این پرسش‌نامه در ایران را دکتر علی دلاور در جامعه جانبازان ایران انجام داده و همچنین توسط حمیدرضا آقامحمدیان مورد مطالعه قرار گرفته است که به نتایج مشابه سازنده تست دست یافته‌اند (آقامحمدیان، ۱۳۷۴). نتایج هنجاریابی خرده مقیاس سازگاری اجتماعی بل که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد، به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱. هنجاریابی خرده مقیاس سازگاری اجتماعی بل

سازگاری اجتماعی		طبقه‌بندی سازگاری
زن	مرد	
۵ تا ۸	۳ تا ۶	خوب
۹ تا ۱۹	۷ تا ۱۵	متوسط
۲۰ تا ۲۴	۱۶ تا ۲۰	ضعیف

۳- روش اجرا: تدارک یک الگوی عملی برای افزایش سازگاری اجتماعی

متغیر مستقل در این پژوهش شامل ۹ جلسه کارگروهی شناختی - رفتاری بوده که پس از اجرای مصاحبه پیش تشکیل و اجرای پرسش‌نامه آغاز شد. طی اولین تماس، مددکار هدف آزمایشی گروه و دلیل در نظر گرفتن آن اشخاص را برای عضویت در گروه توضیح می‌دهد (جانسون، ۱۹۲۳). هدف از این مصاحبه علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات

دموگرافیک، ارزیابی اولویت‌ها، نیازها و نگرانی‌ها، برقراری ارتباط پیش‌گروهی^۱ و تبیین چگونگی عملکرد گروه‌ها به زبان ساده برای اعضای گروه و ایجاد یک نوع قرارداد^۲ و توافق ضمنی بر سر هدف‌های آزمایشی گروه است. مددکار اجتماعی در کار گروهی شناختی - رفتاری ضمن تلفیق بحث و فعالیت‌های هدفمند با روش‌های خلاقانه، نشاط آور و سرگرم کننده، به فرد می‌آموزد تا از پاداش‌های کوچک و غالباً غیرکلامی بهره ببرد. چرا که تنها به واسطه ادغام خلاقانه بحث و فعالیت است که اعمال، اندیشه‌ها و احساسات برای حمایت از ظهور کلیت یک فرد ترکیب می‌شوند (مالکوف، ۱۹۹۷). در مورد گروه گواه که شامل یک لیست از کودکان بزهکار می‌شود، هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت. برنامه اجرایی جلسات کارگروهی به قرار زیر است:

جدول ۲. کارگروهی شناختی - رفتاری به تفکیک جلسات

مدت زمان	هدف‌ها	
یک ساعت	ایجاد یک ارتباط مثبت و حمایتگر بین اعضا و مددکار ایجاد یک برداشت مثبت از عضویت در گروه	جلسه اول
یک ساعت و نیم	بحث در مورد هنجارهای گروهی و دستیابی به قرارداد شناخت در مورد آهنگ صدا و نقش آن در ارتباطات اجتماعی آموزش مهارت در تنظیم آهنگ صدا	جلسه دوم
یک ساعت و نیم	پیشرفت در آموزش‌های جلسات قبل افزایش توانایی مددجویان در ارائه و دریافت بازخورد مهارت در ارسال و دریافت پیام	جلسه سوم
یک ساعت و نیم	آشنایی با روش‌های آرام‌سازی و اجرای آن رعایت علائم و زبان غیرکلامی مانند حفظ فاصله فیزیکی در ارتباطات اجتماعی	جلسه چهارم
یک ساعت و نیم	تشخیص باورهای منفی خود و موقعیت‌هایی که این افکار بروز می‌کنند انتخاب جایگزین‌های مثبت و کارآمد برای باورهای منفی	جلسه پنجم
یک ساعت و نیم	شناخت صحیح مسائل و مشکلات زندگی روزمره یادگیری روش حل مسئله نظام‌مند کمک به فرد برای تفکر قبل از عمل	جلسه ششم

1. pre-group

2. contract

یک ساعت و نیم	تعمیم روش حل مسئله نظام‌مند به موقعیت‌های جدید گسترش استفاده از راه‌حل‌های سازگارانه و کاهش تمایل به استفاده از راه‌حل‌های عادی	جلسه هفتم
یک ساعت و نیم	شناخت مهارت‌ها و توانایی‌های فردی مرتبط با زمان حال (خود واقعی) شناخت وظایف فرد از دیدگاه خود و دیگران (خود بایدی) آشنایی با ایده‌آل‌ها و آرزوهای خود (خود ایده‌آل)	جلسه هشتم
یک ساعت و نیم	آینده‌نگری و پایان دادن به کار گروهی بررسی احساسات اعضا و مرور فرآیند کار	جلسه نهم

۴- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به منظور آزمون تفاوت بین میانگین نمرات گروه آزمایش و کنترل، ابتدا اختلاف بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر یک از افراد عضو در گروه‌های کنترل و آزمایش با استفاده از ویرایش ۱۹ نرم افزار SPSS محاسبه و سپس از آزمون آماری t استفاده شده است.

نتایج

تعداد آزمودنی‌ها، میانگین و انحراف استاندارد نمرات سازگاری اجتماعی کودکان ۱۲ تا ۱۴ سال تمام در جدول ۳ قابل مشاهده خواهد بود.

جدول ۳. تعداد، میانگین و انحراف استاندارد نمرات سازگاری اجتماعی کودکان ۱۲ تا ۱۴ سال تمام

تعداد	اختلاف پیش‌آزمون و پس‌آزمون		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه
	sd	M	sd	M	sd	M	
۱۰	۳/۶۴	-۲/۸۰	۶/۴۱	۱۴/۶۰	۶/۵۵	۱۷/۴۰	آزمایش
۱۰	۳/۵۰	۰/۶۰	۶/۲۸	۱۵/۲۰	۶/۲۴	۱۴/۶۰	کنترل

مشخصه‌های آماری آزمون F لوین و t استیودنت برای مقایسه میانگین دو گروه ۱۲ تا ۱۴ سال تمام در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. مشخصه‌های آماری آزمون لوین و t برای مقایسه بین میانگین نمرات دو گروه

آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		آزمون t برای برابری میانگین‌ها		
F	مقدار احتمال	t	df	مقدار احتمال
۰/۰۴۲	۰/۸۴۰	-۲/۱۲۷	۱۸	۰/۰۲۴

داده‌های موجود در جدول ۴ حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار بین اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون سازگاری اجتماعی است. یعنی کار گروهی شناختی - رفتاری مددکار اجتماعی بر افزایش سازگاری اجتماعی کودکان بزه‌کار در سنین ۱۲ تا ۱۴ سال اثربخش بوده است. بنابراین فرضیه پژوهش در این گروه سنی تأیید می‌شود. (P-value=۰/۰۲۴)

نتایج حاصل از تکرار آزمایش در گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شامل تعداد آزمودنی‌ها، میانگین و انحراف استاندارد نمرات سازگاری اجتماعی کودکان در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. تعداد، میانگین و انحراف استاندارد نمرات سازگاری اجتماعی کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام

تعداد	اختلاف پیش‌آزمون و پس‌آزمون		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه
	sd	M	sd	M	sd	M	
۹	۲/۸۱	-۲/۷۷	۴/۴۶	۱۱/۲۲	۵/۸۷	۱۴/۰۰	آزمایش
۱۰	۲/۷۲	-۰/۱۰	۵/۲۷	۱۴/۷۰	۵/۶۳	۱۴/۸۰	کنترل

در خصوص گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام نیز مشخصه‌های آماری آزمون F لوین و t استیودنت آن برای مقایسه میانگین دو گروه در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۶. مشخصه‌های آماری آزمون لوین و t برای مقایسه بین میانگین نمرات دو گروه

آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		آزمون t برای برابری میانگین‌ها		
F	مقدار احتمال	t	df	مقدار احتمال
۰/۱۲۶	۰/۷۲۷	-۲/۱۰۴	۱۷	۰/۰۲۵

داده‌های موجود در جدول شماره ۶ نیز حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار بین اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون سازگاری اجتماعی است. یعنی کار گروهی شناختی - رفتاری مددکار اجتماعی بر افزایش سازگاری اجتماعی کودکان بزهکار در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال اثربخش بوده است و فرضیه پژوهش در این گروه سنی نیز تأیید می‌شود. ($P\text{-value}=0/025$)

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی این پژوهش تأثیر مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی را بر افزایش سازگاری اجتماعی پسران بزهکار مورد بررسی قرار داد. مرور یافته‌های به دست آمده در مورد مداخلات شناختی - رفتاری، از سودمندی این روش‌ها در افزایش سازگاری اجتماعی خبر داده و نشان می‌داد که امکان تغییر در سازگاری اجتماعی افراد وجود دارد. در پژوهش حاضر با توجه به تحقیقات صورت گرفته با تأکید بر اهمیت خودشناسی (مظاهری، باغبان و همکاران، ۱۳۸۵؛ فیشر و بنتلی، ۱۹۹۶)، مهارت در حل مسئله نظام‌مند (حجاری، امیری و همکاران، ۱۳۸۵؛ هیل، ۲۰۰۵؛ راس و آنتونویز، ۲۰۰۵) و ارتباط مؤثر (عطاری، ییلاق و همکاران، ۱۳۸۴؛ ابوالمعالی، ۱۳۸۹)، تلاش شده تا الگویی عملی جهت افزایش سازگاری اجتماعی پسران بزهکار تهیه شود. فرضیه پژوهش مبنی بر اثربخشی مداخلات مددکاری گروهی با رویکرد شناختی - رفتاری در هر دو گروه سنی در سطح معنی‌داری قرار دارد. البته یک نفر از گروه مداخله ۱۵ تا ۱۸ سال ریزش داشته است.

نتایج این پژوهش با یافته‌های خانم شکیبایی که با همین رویکرد، گروه‌های مدیریت خشم را در کاهش خشم واکنشی و ابزاری اثربخش ارزیابی نموده بود، همسو می‌باشد. او در پژوهش خود گزارش می‌دهد که در پی این مداخلات، سازگاری نوجوانان با محیط و مؤسسه افزایش داشته است (شکیبایی، ۱۳۸۴). نتایج تحقیق دکتر درتاج نیز گروه درمانی با رویکرد شناختی - رفتاری را به عنوان روش مؤثری برای ارتقای سازگاری اجتماعی پسران ۱۲ تا ۱۵ سال معرفی می‌کند (درتاج، ۱۳۸۸).

راس دربارهٔ ارتباط بین بزهکاری و رشد شناخت، معتقد است بسیاری از بزهکاران در چند مؤلفه شامل تکانشی بودن، ضعف در مهارت‌های حل مسئله بین فردی و اجتماعی، منبع کنترل بیرونی، خود میان بینی، باورهای غیرمنطقی و ضعف در تفکر انتقادی دچار تأخیرهای رشدی هستند. مداخلات او با همین رویکرد و با هدف افزایش شناخت اجتماعی بزهکاران موفق بوده است و از نتایج این پژوهش نیز حمایت می‌کند (راس و آنتونویز، ۲۰۰۵).

اما نتایج تحقیقات رحیمیان نشان داده است میزان تأثیر آموزش جرأت‌ورزی بر افزایش سازگاری اجتماعی بین گروه‌های زنان و مردان متفاوت است (رحیمیان، شاره و همکاران، ۱۳۸۶)، بنابراین محدود کردن نتایج این پژوهش به جمعیت پسران لازم بوده و تعمیم آن به کل بزهکاران دور از اشکال نخواهد بود.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که به کارگیری رویکرد شناختی - رفتاری در مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی موجب بهبودی سازگاری اجتماعی پسران بزهکار می‌شود. البته نتایج این پژوهش می‌تواند در عرصه‌های گوناگونی چون آموزش و پرورش، فرهنگسراها و انواع مراکز اصلاح رفتار و نگهداری طولانی مدت کودکان به کار گرفته شود. عدم حضور دختران در نمونه‌گیری و فرآیند پژوهش، عدم امکان استفاده از حجم بالای نمونه و پس‌آزمون دوم یا پیگیری، محدودیت‌هایی هستند که در این پژوهش وجود داشتند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از حجم نمونه بیش‌تر به جهت بالا بردن اعتبار و تحلیل‌های دقیق‌تر استفاده شود. همچنین استفاده از نمونه‌هایی در جمعیت دختران و آزمون پیگیری می‌تواند به تعمیم‌پذیری نتایج کمک نماید.

- ابوالمعالي، خ. (۱۳۸۷). طراحی الگوی آموزشی به منظور ارتقاء شناخت اجتماعی پسران بزهکار. *روان‌شناسی*. تهران، دانشگاه الزهرا. دکتری.
- ابوالمعالي، خ. (۱۳۸۹). *نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری*. تهران، ارجمند.
- اتکینسون and هیلگارد (۲۰۰۰). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. تهران، رشد.
- آقابخشی، ح. (۱۳۸۸). *اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده رویکرد مددکاری اجتماعی به مسائل و آسیب‌های جامعه‌ای*. تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- پرلن، ه. ه. (۱۹۵۷). *مددکاری اجتماعی فردی، فرآیند حل مسئله*. تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- پیکا، ژ. (۱۳۷۰). *جرم‌شناسی*. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- توسلی، غ. (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران، سمت.
- جانسون، ل. (۱۹۲۳). *حرفه مددکاری اجتماعی از دیدگاه جامع*. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حجاری، س.، ش. امیری، (et al. 1385). «بررسی اثر بخشی آموزش گروهی حل مسئله بر میزان سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به اختلال خلقی دو قطبی». *دو فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری* (۲ و ۱): ۴۱-۵۸.
- درتاج، ف. (۱۳۸۸). «تأثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۲ سال». *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی* (۱۲): ۶۲-۷۲.
- رحیمیان، ا. ح. شاره، (et al. 1386). «بررسی تأثیر شیوه‌های جرأت ورزی بر سازگاری اجتماعی». *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی* ۲۳: ۲۹-۵۴.
- زندان‌ها، س. (۱۳۸۴). *آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور*. تهران، راه تربیت.
- شکیبایی، ف. (۱۳۸۴). «گروه درمانی مدیریت خشم با رویکرد شناختی - رفتاری در نوجوانان مدیریت مؤسسه‌ای». *مرکز تحقیقات علوم رفتاری* شماره ۳۷.
- شیخاوندی، د. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ای ایران*. تهران، قطره.
- عطاری، ی. م. ش. ییلاق، (et al. 1384). «بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی را در سازگاری فردی - اجتماعی نوجوانان بزهکار شهرستان گنبد کاووس». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران*

- امواز ۲: ۴۶-۲۵.
- فندی، م. (۱۳۴۷). *دیبچه‌ای بر مددکاری اجتماعی*. تهران، عطایی.
- مافت، م. د. and خ. ب. اشفورد (۱۳۷۵). *اصول و مبانی مددکاری اجتماعی*. تهران، آوای نور.
- مالکوف، ا. (۱۹۹۷). *کار گروهی با نوجوانان، اصول و کاربرد آن*. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مظاهری، ا.، ا. باغبان، (et al. 1385). «تأثیر آموزش گروهی عزت نفس بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان». *دو ماهنامه علمی پژوهشی دانش‌سور رفتار - دانشگاه شاهد* شماره ۱۶: ۴۹-۵۶.
- مظفر، ح. and همکاران (۱۳۸۸). «آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۱۸-۱۲ سال تهران». *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی* شماره چهارم: ۳۳-۵۴.
- هاشمی، ت.، ع. اقبالی، (et al. 1388). «تأثیر خودآموزی کلامی بر بهبود سازگاری اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال سلوک». *روان‌شناسی بالینی* (۲): ۲۹-۳۶.
- Fisher, M. S. and K. J. Bentley (1996). "Two group therapy models for clients with a dual diagnosis of substance abuse and personality disorder." *Psychiatric Services* 47 (11): 1244-1231.
- Garvin, C. D., L. M. Gutierrez, et al. (2004). *Handbook of social work with groups*. New York, Guilford Press.
- Hill, j. (2005). "Conduct disorder." *Development and psychopathology* 4: 57-60.
- Rahmati, B., N. Adibrad, et al. (2010). "The Effectiveness of life skill training on Social adjustment in Children." *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5: 870-874.
- Ross, R. R. and D. H. Antonowicz (2005). "social problem solving in offenders." *social problem solving and offending* 4: 91-102.